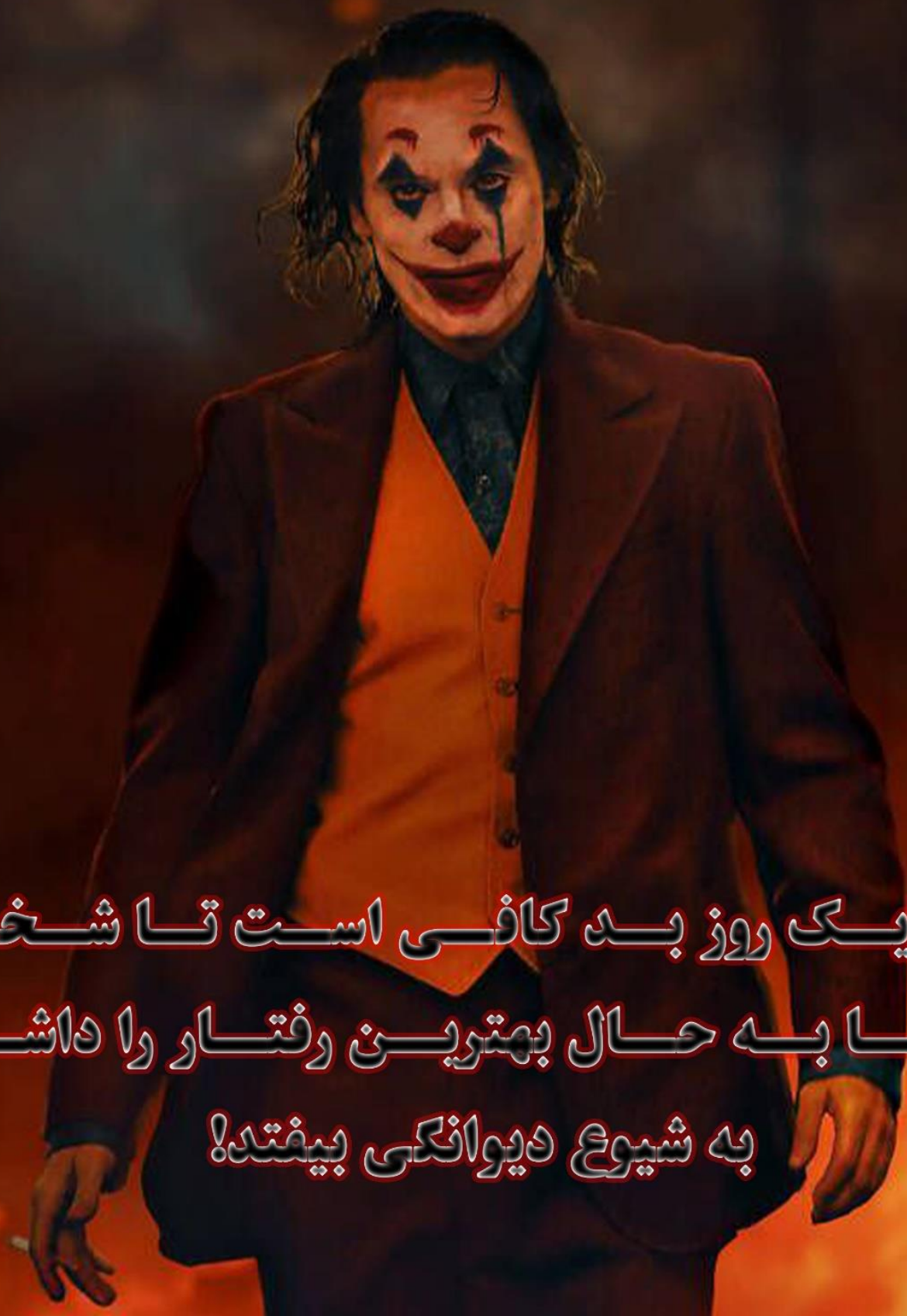


۸

ریشه‌ها



سال سوم ، شماره هشتم / شماره مجوز: ۹۹۲۵۵۰



تنها یک روز بد کافی است تا شخصی
که تا به حال بهترین رفتار را داشته،
به شیوع دیوانگی بیفتد!

دوماہنامہ فرہنگی، اجتماعی، سیاسی و صنفی ریشہ ما

سال سوم، شمارہ، ششم، بہار ۲۰۱۴

صاحب امتیاز: محمد امین آقائی

مدیر مسئول: امین حسین زادہ

سر دبیر: فاطمہ لحاظی

با سپاس از:

یاسین اژدریان - زہرا خسروشیری - امیر حسین یوسف
زادہ - محمد جواد خالقی - طاہا لقای - سجاد تحقیقی -
سید امیر حسن نیا - مہسا ناطقی - شاہد بنی اسدی -
محمد رضا بابائی - مہدیہ دادوند - محمد جواد خالقی -
رضا سرحدی - قاسم شہریاری - احسان مزدخواہ -
فاطمہ سادات سید موسوی

ویراستار: امین حسین زادہ

طراح جلد و صفحہ آرا: سید علی اصغر ہاشم زادہ

دبیر سرویس سیاسی: مریم فاطمی

دبیر سرویس فرہنگی: حنانہ واسعی

دبیر سرویس اجتماعی: محدثہ بزغانی

دبیر سرویس رسانہ: سید علی اصغر ہاشم زادہ



۴

حرمان اعتراضی و مویه برای آزادی

۶

نظام نشانه‌ای، مشروعیت سیاسی آشفته‌گی هویتی در ایران

۸

مدیریت بحران‌زا و اقتدار کاذب

۱۰

توییت (مسمومیت دانش آموزان در توییت)

۱۳

واکاوی دستاوردهای برجام

۱۶

توییت (دلار در توییت)

۱۸

دنده معکوس رو به جلو (برجام ۲)

۲۰

توییت (توافق ایران و عربستان)

۲۲

الیگارش‌ی صنعتی و تجدید باور عامه

۲۴

سند



احسان مزدخواه
دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران) دانشگاه فردوسی مشهد



حرمان اعتراضی و مویه برای آزادی

زیست جهان ایرانی چندصباحی است گرفتار حرمان و مویه برای تغییر وضعیت زیستن اجتماعی - سیاسی است. حرکتی که دربرگیرنده‌ی بخشی از جمعیت جوان و توده‌های مردمی می‌باشد. به منظور تبیین و توصیف کنش اعتراض‌گونه ایرانی از شهریور ۱۴۰۱ تاکنون نگارنده از تئوری ژیل دلوز بهره‌برده است. دلوز از جمله اندیشمندان پسااخترگراست که خوانشی روانکاوانه از عرصه‌ی سیاسی ارائه می‌دهد. مفاهیم اندیشه‌ای دلوز شامل نفی، کنش انقلابی، هستی‌شناسی عینی، سیاست میل، انرژی، لیبیدویی، استبداد پارانوئیک و انقلاب ریزوم وار می‌باشد. در کانون اندیشه‌گانی دلوز به حاشیه‌راندگی عقل‌هگلی کانونیت یافته و میل برای تغییر وضعیت نابهنجار نقطه کانونی گفتاره دلوز است. برخلاف هستی‌شناسی هگلی که وجهی بنیادین و ذهنی دارد؛ در اندیشه دلوز، شناخت مبتنی بر میل به صورت سطحی و عینی است. لذا کنش انقلابی مبتنی بر این هستی‌شناسی نیز صورتی بنیادین ندارد؛ بلکه تنها تغییرات سطحی را مدنظر قرار می‌دهد.

دلوز، تصویری از تغییرات انقلابی جهانی ارائه نمی‌دهد. آنچه آنان ترسیم می‌کنند، فرایند تجربه کنش‌گرایانه میان نهادهای اقتصادی - سیاسی و جنبش‌های جدید ضد ساختاری زیر نهادی در جهت تولید میل و ایجاد کنش انقلابی است. به باور آن‌ها مفهوم اقلیت به معنای گروهی است که از اکثریت که حامل نشانگان اجتماعی غالب می‌باشد، انحراف یافته است. اهمیت اقلیت از نگاه آنان نه در جدایی نسبی آن از اکثریت، بلکه در پتانسیل سیاسی عدول از هنجار است روایتی که در اکونیت ایرانی در جریان اعتراضات فعلی دیده می‌شود. اقلیت، توان قلمروزدایی از نشانگان اجتماعی ساخت قدرت را دارد. به باور دلوز، همین فرآیند قلمروزدایی ذات سیاست انقلابی را شکل می‌دهد. به باور دلوز، تمام روابط اجتماعی مبتنی بر روابط قدرت و میل اند. پس هر نهاد اجتماعی نیز یک دستگاه قدرت و هم یک مدار پیچیده‌ای از میل است. به باور آن‌ها، میل هرگز یک انرژی غریزی صرف و مستقل نیست؛ بلکه عنصری در حال شدن و در تعامل با جامعه است. آن‌ها در پاسخ به این سؤال که انقلاب چگونه امکان پذیر می‌شود؟ آن را در حوزه میل پاسخ می‌دهند. به باور آن‌ها اگر منظور از انقلاب گسست از تعیین‌های علی (ساختارهای

اجتماعی شکل گرفته) در یک حوزه اجتماعی است، پس باید نظم میل و هجمه آن گویای این گسست باشد. در واقع میل، قدرت بازتولید تفاوت یا دیگرشدنی است که دلوز آن را سیاست میل می‌نامد. در بیشتر مونتاژهای میل، کنش‌های انقلابی حاکم‌اند. یعنی وجهی ساختارشکنانه بر حرکت میل در عرصه اجتماعی غالب است. آن‌ها در این راستا دو قطب را در یک جامعه از یکدیگر متمایز می‌کنند. قطب پارانوئیی و قطب اسکیزوئیی انقلاب. منظور از قطب اول، ساختار نظام سیاسی حاکم بر یک کشور است که در برخی از مواقع توان انعطاف‌پذیری و همسویی با مطالبات و خواسته‌های اجتماعی برخوردار نیست مانند ناتوانی سیستم حکمرانی فعلی در ایران که به واسطه مطرح شدن بعضی از مطالبات اجتماعی - سیاسی و محرومیت‌های تلبارشده اقتصادی توان پاسخ‌گویی و انعطاف‌پذیری تعاملی - گفتگویی را با جمعیت معترض را ندارد و اساساً این ناتوانی و فقدان راهبرد منجر به خشنونت‌شدگی جریان اعتراضی شده است و قطب دوم هم شامل رشد سیاست میل در میان توده‌های جامعه است که آن را در آستانه کنش انقلابی و مقابله با حاکمیت و نیروهای آن قرار می‌دهد. دلوز انرژی تولیدشده در فرایند میل را انرژی لیبیدویی می‌نامد. او تلاش می‌کند تا خوانشی روانکاوانه از فرآیند کنش انقلابی ارائه دهد. هم چنین آزادسازی انرژی لیبیدویی، فرآیند کنش انقلابی را از وجه عقلانی آن خارج ساخته و آن را تابع ساختار روانی و غریزه قرار می‌دهد که از این توان ویرانگری آن به شدت بالاست. این بیان از دلوز را می‌توان در جریان اعتراضات کنونی در ایران فهم کرد که به دلیل آزاد شدن انرژی لیبیدویی جمعیت معترض، وجه عقلانی اعتراض برای تغییر به حاشیه رفته و عملاً رهبری و سازماندهی حرکت‌های اعتراضی تابع ساختار روانی قرار گرفته است و توان ویرانگری بالایی را دارا شده است به طور مثال اقدامات تروریستی در شاهچراغ و ایزه؛ کشته و شهید شدن افرادی در آمل، سنندج، کردستان، اصفهان، زاهدان و ... خود بیان‌کننده توان تخریبی بالا این حرکت‌ها می‌باشد. در خوانشی دلوزی جامعه ما آستان انواع ناآرامی، به دلیل انواع مشکلات از تورم و بیکاری تا عدم توزیع عادلانه و برابر مواهب سیاسی اقتصادی و فرهنگی است. بنابراین کشته شدن (فوت) مهسا امینی تنها یک جرقه

زیست جهان ایرانی چندصباحی است گرفتار حرمان و مویه برای تغییر وضعیت زیستن اجتماعی - سیاسی است. حرکتی که دربرگیرنده‌ی بخشی از جمعیت جوان و توده‌های مردمی می‌باشد. به منظور تبیین و توصیف کنش اعتراض‌گونه ایرانی از شهریور ۱۴۰۱ تاکنون نگارنده از تئوری ژیل دلوز بهره‌برده است. دلوز از جمله اندیشمندان پسااخترگراست که خوانشی روانکاوانه از عرصه‌ی سیاسی ارائه می‌دهد. مفاهیم اندیشه‌ای دلوز شامل نفی، کنش انقلابی، هستی‌شناسی عینی، سیاست میل، انرژی، لیبیدویی، استبداد پارانوئیک و انقلاب ریزوم وار می‌باشد. در کانون اندیشه‌گانی دلوز به حاشیه‌راندگی عقل‌هگلی کانونیت یافته و میل برای تغییر وضعیت نابهنجار نقطه کانونی گفتاره دلوز است. برخلاف هستی‌شناسی هگلی که وجهی بنیادین و ذهنی دارد؛ در اندیشه دلوز، شناخت مبتنی بر میل به صورت سطحی و عینی است. لذا کنش انقلابی مبتنی بر این هستی‌شناسی نیز صورتی بنیادین ندارد؛ بلکه تنها تغییرات سطحی را مدنظر قرار می‌دهد.

دلوز، تصویری از تغییرات انقلابی جهانی ارائه نمی‌دهد. آنچه آنان ترسیم می‌کنند، فرایند تجربه کنش‌گرایانه میان نهادهای اقتصادی - سیاسی و جنبش‌های جدید ضد ساختاری زیر نهادی در جهت تولید میل و ایجاد کنش انقلابی است. به باور آن‌ها مفهوم اقلیت به معنای گروهی است که از اکثریت که حامل نشانگان اجتماعی غالب می‌باشد، انحراف یافته است. اهمیت اقلیت از نگاه آنان نه در جدایی نسبی آن از اکثریت، بلکه در پتانسیل سیاسی عدول از هنجار است روایتی که در اکونیت ایرانی در جریان اعتراضات فعلی دیده می‌شود. اقلیت، توان قلمروزدایی از نشانگان اجتماعی ساخت قدرت را دارد. به باور دلوز، همین فرآیند قلمروزدایی ذات سیاست انقلابی را شکل می‌دهد. به باور دلوز، تمام روابط اجتماعی مبتنی بر روابط قدرت و میل اند. پس هر نهاد اجتماعی نیز یک دستگاه قدرت و هم یک مدار پیچیده‌ای از میل است. به باور آن‌ها، میل هرگز یک انرژی غریزی صرف و مستقل نیست؛ بلکه عنصری در حال شدن و در تعامل با جامعه است. آن‌ها در پاسخ به این سؤال که انقلاب چگونه امکان پذیر می‌شود؟ آن را در حوزه میل پاسخ می‌دهند. به باور آن‌ها اگر منظور از انقلاب گسست از تعیین‌های علی (ساختارهای



بود برای آزاد شدن انرژی لیبیدویی فروخورده شده زیست جهان ایرانی که در قالب تلاشی برای تغییر وضعیت و مویه برای آزادی پدیدار شد. فقدان آزادی برای اعتراضات مسالمت‌آمیز، فقدان رسانه‌های آزاد برای طرح مطالبات مردم، فقدان فضای باز سیاسی برای مشارکت عمومی، موجب حرکت‌های خیابانی و سیاست میل برای تغییر شده است. به طور کلی، دوگانگی زیستی و رسمیت نشناختن «تفاوت‌ها» موجب تیره و تار شدن در تصویر آینده ایرانی شده است. زیست جهان آینده، در روایت رسمی حکومت، یکدست و یک شکل است، تصویری است از بسیجی بودن یا انقلابی شدن. «انسان‌های متفاوت» در پیرامونگی گفتمانی - اجتماعی جای گرفته‌اند و چنین آینده‌ای، انسان را آن‌طور که هست با تفاوت‌های قومی، زبانی، نژادی، دینی، فرهنگی و تاریخی اعتبار نمی‌بخشد و به رسمیت نمی‌شناسد و عملاً پاسخ‌گویی مناسب برای مطالبات و خواسته‌هایشان به کناری گذاره می‌شود زیرا جامعه ایرانی به جامعه مسائل حل نشده و لاینه‌ل تشبیه و تبیین شده است. پیامد این گسیختگی، شکل‌گیری و گسترش نارضایتی عمیق و خشونت به شکل‌های گوناگون خانگی، خیابانی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است به مانند آنچه که اکنون در فضای زیست‌مانی ایرانیان به منحصه ظهور رسیده است. فردای اعتراضات به این بستگی دارد که نظام سیاسی تصویرسازی مطلوب از قطب‌های موجود اجتماعی برای خلق یک آینده نو داشته باشد و خود را با تغییر وفق دهد و به بیان دیگر از قدرت انعطاف‌پذیری برخوردار گردد. اگر تصویر نو از آینده خلق شود و در این تصویر گسیختگی‌های زمان، مکان، انسان و فرهنگ برداشته شود و همچنین فرهنگ‌های گوناگون و انسان‌ها از جایگاه معتبر و حقوق عادلانه برخوردار باشد، جامعه به طرف آرامش خواهد رفت.



رضا سرحدی
پژوهشگر پسادکتری گروه علوم سیاسی
دانشگاه فردوسی مشهد

نظام نشانه‌ای، مشروعیت سیاسی

آشننگی هویتی در ایران



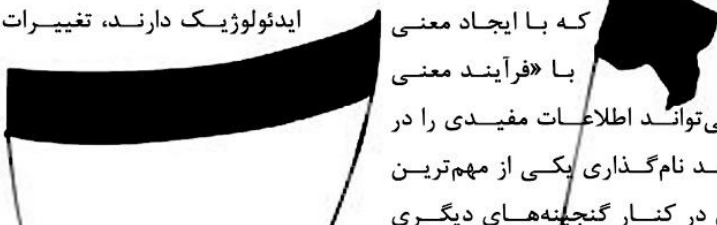
چون اسطوره‌ها و تبلیغات به‌عنوان نقطه گرهی (Nodal point) منازعات ایدئولوژیک در طی دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است. آگاهی از تحولات نام‌گذاری، یکی از زمینه‌های شناخت چگونگی بخشی از تحولات فرهنگی در جامعه ایران است. مطالعه نمادها و نشانه‌ها نشان می‌دهد یک نماد یا نشانه می‌تواند به‌عنوان ابزاری فراگیر برای تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و شعارهای سیاسی احزاب، گروه‌ها، جنبش‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. نظام‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی، ایدئولوژی‌های سیاسی هریک مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌ها را برای هویت بخشی به خود و همچنین معرفی خود به جامعه به کار می‌گیرند.

فرآیند نام‌گذاری در یک جامعه تحت تأثیر عوامل چندگانه‌ای نظیر تغییرات فرهنگی و تحول در نظام سیاسی می‌باشد. به‌ویژه پس از هر تحول جدی سیاسی و فرهنگی در یک جامعه از اولین عرصه‌هایی که تغییرات چشمگیری در آن رخ می‌دهد، فرآیند نام‌گذاری است و در مواردی هم که قصد تغییرات فرهنگی از بالا در میان باشد، برخی از حکومت‌ها فشارهای قانونی یا غیرقانونی برای تغییر نام اعمال می‌کنند. معمولاً تحولات فرهنگی یک دوره طولانی رخ می‌دهد، بنابراین این تحولات در طول زندگی یک نسل چندان محسوس نیست؛ اما در جوامعی که با دگرگونی‌های سریع مواجه بوده و این دگرگونی عمدتاً تحت تأثیر عوامل تشدیدکننده از قبیل انقلاب‌ها نیز بوده است، می‌توان این تحولات را در طول یک نسل نیز مشاهده نمود. در جوامعی که در آن‌ها انقلاب رخ می‌دهد. به‌خصوص در انقلاب‌های که بار ایدئولوژیک دارند، تغییرات فرهنگی سریع‌تر و بهتر قابل‌رؤیت هستند. ایران نیز کشوری است که هم با انقلاب مواجه بوده و هم سال‌ها درگیر جنگ بوده است.

تأمل در بحران‌های ایران در طول تاریخ معاصر این کشور و ارائه راهکارهای هویتی، به چهار الگوی هویت دامن زده است. مجموعه این چهار الگو شامل هویت باستانی (مشروطه تا پهلوی اول)، هویت اسلامی (از دهه ۱۳۳۰ تا انقلاب اسلامی)، هویت چندگانه (اواخر دهه انقلاب اسلامی) و «ایران شهری» به عنوان نماد هویت ایرانی هستند. هژمون شدن هر یک از این هویت‌ها در دولت‌ها با ایدئولوژی متضاد، نزاع‌های هویتی در تاریخ معاصر ایران را عمیق کرده است. بدین ترتیب ظهور منازعه هویتی به‌واسطه سرشت متنوع نظام‌های سیاسی پهلوی (هویت باستانی) و جمهوری اسلامی (هویت اسلامی) در ایران معاصر ناگزیر بود.

این نوشتار می‌کوشد مخاطب را با این امر آشنا کند که نظام‌های سیاسی تنها به ابزار فیزیکی اعمال قدرت محدود نیستند بلکه نظام نشانه‌ای نیز از جمله حوزه‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌دهد و چه‌بسا در پایداری آن‌ها نقشی مهم ایفا کند. دو دیدگاه سیاسی و فرهنگی برای مطالعه نزاع‌های هویتی وجود دارد. درحالی‌که دیدگاه سیاسی به سراغ متون، اسناد و گفتارهای رسمی سیاست می‌رود؛ مطالعه فرهنگی بر متون حاشیه‌ای و کمتر شناخته‌شده تمرکز می‌کند. از آنجاکه ابزارهای فرهنگی کمتر به رژیم‌های صدق وابسته هستند، نشانه‌های بی‌طرفانه‌تری را از تاریخ و منازعات تاریخی در خود نهفته دارند که می‌توان از طریق تحلیل‌های جدید هم چون نشانه‌شناسی به آن دست‌یافت. مطالعه نظام‌های نشانه‌ای مانند زبان‌ها، رموزها، نمادها، نشانه‌های علامتی و مواردی از

این‌دست یکی از بهترین روش‌های کارآمدی است که با ایجاد معنی و یا به تعبیر رولان بارت «فرآیند معنی‌دار شدن» سروکار دارد و می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار ما قرار دهد. فرآیند نام‌گذاری یکی از مهم‌ترین گنجینه‌های نظام نشانه‌ای در کنار گنجینه‌های دیگری





ایدئولوژیک اسلام‌گرایانه دولت‌مردان انقلابی موجب شد تا نگاه ناسیونالیسم ایرانی در درون کشور کمرنگ شود و به تبع آن نظام نشانه‌ای جدیدی با رنگ و بوی اسلامی-عربی خلق شود تا ایرانی-فارسی.

تضاد ایدئولوژیک گفته‌شده اگرچه تا اندازه زیادی در شکل‌دهی به نظام نشانه‌ای و نیز ایجاد تغییر در فرآیند نام‌گذاری مؤثر واقع شده است، لیکن واقعیت این است که نظام نشانه‌ای در جوامع گوناگون بیش از آنکه متکی بر روئنا‌ی سیاست و دارای ماهیتی سیاسی باشد، در زمینه و بستر اجتماعی و فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد و از گرایش‌های جمعی و زیربنای فرهنگی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. بازگشت مجدد عناصر فرهنگی و هویتی ایران باستان در نام‌گذاری به‌ویژه اسامی افراد و نیز اماکن شهری که توسط شهروندان و نه الزاماً نظام سیاسی حاکم صورت می‌پذیرد خود گواهی بر این مدعا است که نظام نشانه‌ای پیشین به‌تدریج بار دیگر در بستر فرهنگی و اجتماعی ایران در حال نمود یافتن است که نشان‌دهنده قدرت و ثبات بیشتر نظام نشانه‌ای نسبت به نظام سیاسی در یک جامعه است. شاید بتوان استدلال کرد که شکاف هویتی دست‌کم به‌اندازه سایر شکاف‌های اجتماعی در ایران زندگی اجتماعی و سیاسی را به بدبینی، بی‌اعتمادی، ترس و خشونت، آلوده کرده است. وجود این‌گونه شکاف ذهنی آشتی‌ناپذیر مانع پیدایش هم‌پذیری و تساهل لازم برای مشارکت و رقابت سیاسی می‌شود.

تحول سریع اجتماعی-اقتصادی نیز، برای مطالعه تحولات فرهنگی زمینه مناسبی دارد. یکی از راه‌های بررسی برخی از اجزای این تحولات مراجعه به نمادهای ظاهری فرهنگ از جمله نام‌گذاری و چگونگی تغییر آن در طول زمان است.

با تسلط گفتمان پهلویسم یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر پروژه تجدد، ایرانی‌سازی به شیوه پهلویسم بود که بر سه‌گانه‌های هویت فرهنگی و باستان‌گرا، احیای ملیت ایرانی در دایره مقتضیات تمدن جدید و ایرانی‌ت و وحدت ملی تأکید داشت. رجوع به قوانین، مقررات و برنامه‌های این دوران به‌روشنی گواهی می‌دهد که اصل یادشده، در بسیاری از برنامه‌های این دوران مدنظر بوده است و پروژه معینی برای هویت‌سازی ملی دنبال شد که به خلق یک نظام نشانه‌ای هویت‌ساز جدید منجر گردید که در بستر گفتمان پهلویسم وجه غالب یافت و بقیه گفتارها را به حاشیه راند. انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و تغییر نظام سیاسی شاهنشاهی به جمهوری اسلامی از یک‌سو منجر به تغییر ایدئولوژی ناسیونالیسم ایرانی به ایدئولوژی اسلامی-شیعی شد و از سوی دیگر موجب تغییر در ساخت قدرت سیاسی کشور گردید. به‌طوری‌که مراکز جدید تصمیم‌گیری قدرت سیاسی در ایران پدید آمدند. رژیم انقلابی جمهوری اسلامی تلاش زیادی برای محو نموده‌های رژیم سابق پهلوی و نیز ایجاد جلوه‌ها و نمادهای رژیم سیاسی جدید در پایتخت (تهران) و سایر شهرها صورت داد تا تغییر شکل ساختار قدرت سیاسی جدید را به نمایش بگذارد. در واقع، جمهوری اسلامی با خلق گفتمانی با گزاره‌های سمبولیک شیعی و جهان‌وطنی اسلامی، نظام نشانه‌ای را طراحی نمود که با عناصر نظام نشانه‌ای پهلوی-به‌ویژه مدرنیته و ایران باستان-تضادی آشکار داشت. وجود این‌گونه شکاف ذهنی آشتی‌ناپذیر مانع پیدایش هم‌پذیری و تساهل لازم برای مشارکت و رقابت سیاسی می‌شود تفسیر اولیه از این تضادها میان دو دوره آن است که بعد از مرحله انتقال سیاسی، نگاه ایدئولوژی



مدیریت بحران‌زا و اقتدار کاذب



روسای دانشکده‌ها و مسئولان رده پایین‌تر ایستادگی می‌کند و اجازه اجرای رویه‌گذاری‌های جدید را به کسی نمی‌دهد. وقتی در تیتراژ یادداشت از فقدان اقتدار می‌نویسم همین است که فردی در جایی از دانشگاه به خودش اجازه تفکیک فضای سبز می‌دهد و مسئولی دیگر به خودش اجازه محدود کردن فضاها و آلاچیق‌ها و تریاها را می‌دهد. جدا از این که بخواهیم از دلیل انتصابات سیاسی این مسئولین دگم و فاقد ظرفیت در دانشگاه بپرسیم، باید این سوال را مطرح کرد که اگر دوروز دیگر رئیس دانشکده‌ای خواست کلاس‌ها را هم تفکیک کند و یا مثلا درب ورودی دانشکده‌اش را برای دخترها و پسرها جدا کند، هیئت رئیسه دانشگاه و در راس آن آقای دکتر ضابط چه واکنشی نشان می‌دهد؟ آیا حتما باید خبر این تصمیم‌های شخصی که نتیجه‌ای جز ناامید ساختن و گسترش خشم در بین دانشجویان ندارد در رسانه‌های کشوری منتشر شود و دانشگاه فردوسی به محدودیت و تفکیک معروف شود؟ یا باید حتما نهادهای دیگری به حوزه شما ورود کنند تا جلوی این تصمیمات خودسر که باعث ناامیدی و سرخوردگی سرمایه‌های جوان کشور می‌شود را بگیرند؟ تا به حال به دلایل مهاجرت گسترده نخبگان فکر کرده‌ایم؟ حفظ امنیت با امنیتی کردن و نگاه‌های حراستی تطابقی ندارد و دانشگاه محیط فرهنگی است نه میدان حراستی. گاهی احساس می‌کنم انگار باید اصول ساده حکمرانی و مفاهیمی

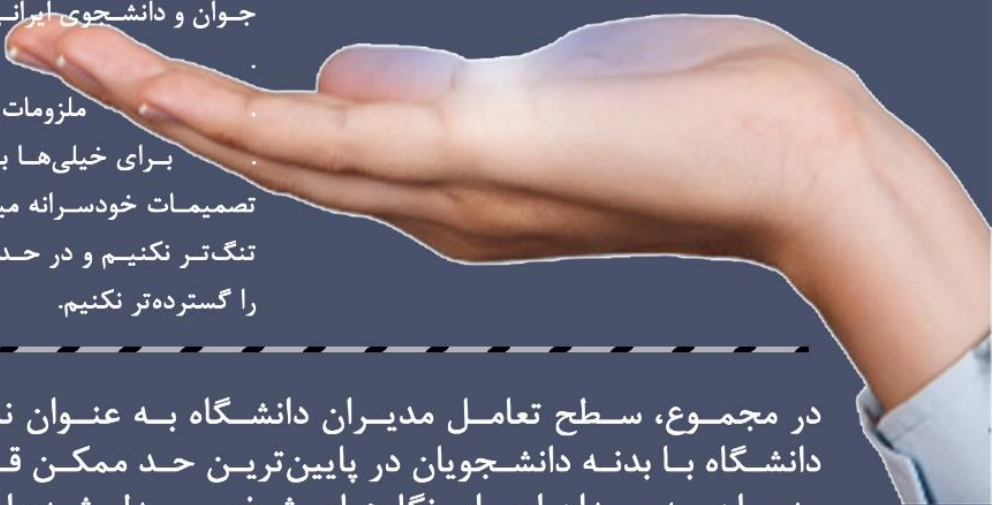
پس از تغییر دولت و روی کار آمدن هیئت رئیسه جدید دانشگاه، دانشجویان منتظر دیدن رویکرد جدید مدیریت دانشگاه بودند. از نظر علم سیاست، عرصه اداره عمومی باید با افکار عمومی همراه باشد و در یک تعامل دوجانبه به جلو بروند. میدان تعامل هیئت رئیسه دانشگاه با دانشجویان و حتی اعضای هیئت علمی کجاست؟ صدای دانشجو کجا شنیده می‌شود؟ تفاوت‌های نسل جدید با نسلی که مدیران فعلی از آن برخاسته‌اند به حدی است که امکان درک مشترک را از دو طرف ماجرا را می‌گیرد اما سوال اینجا است که دانشجویان باید رویکرد مدیران را درک کند یا این هیئت رئیسه دانشگاه است که باید از چالش‌سازی و ایجاد مسئله با دانشجویان خودداری کند؟ قطعاً مسئولان دانشگاه برای خدمت به دانشجویان در این جایگاه قرار می‌گیرند و این جایگاه، جایی برای اعمال سلیقه‌های شخصی و نگاه‌های رنگی نیست و اولین اصلی که باید به آن توجه کرد، اداره دانشگاه و حفظ آرامش در محیطی است که دانشجویان با عبور از غول سخت‌کنکور و با هزاران آرزو وارد محیط آن می‌شوند تا بتوانند سطحی بالاتر از علم‌آموزی و فرآیند اجتماعی شدن را تجربه کنند.

درحالی که مدیریت دانشگاه فردوسی در مسائل ساده‌ای مثل افزایش کیفیت غذا و اعزام تیم‌های ورزشی به مسابقات کشوری عاجز است، در گسترش خشم و شکاف اجتماعی فعال عمل می‌کند و محدودیت‌های جدید و عجیبی مثل تفکیک فضای سبز وضع می‌کند و با حراستی کردن دانشگاه و افزایش برخورد با نسل‌های جدید، به نمایش اقتدار کاذب می‌پردازد درحالی که اقتدار واقعی خودش را در عبور از بحران و مدیریت و حل مسئله نشان می‌دهد نه در افزایش نظارت‌های حراستی و ایجاد چالش با دانشجویان نسل‌های جدید. اقتدار خودش را در مدیریت بحران سرما و تامین بودجه برای نیازهای ضروری دانشجویان نشان می‌دهد نه در تفکیک فضای سبز. اقتدار خودش را در اصلاح و بازآفرینی نشان می‌دهد نه در تفکرات دگم و بسته. رئیس دانشگاه به عنوان نماینده عالی حاکمیت در دانشگاه وقتی از اقتدار کافی برخوردار باشد، در مقابل تصمیم‌های جزیره‌ای و غلبه نگاه‌های شخصی





مثل دولت، مدیریت، امنیت، آرامش اجتماعی، تعامل، تغییر نسل و... را به صورت علمی برای برخی از مدیران تدریس کرد و از آن‌ها خواست مفاهیم این واژه‌ها را در کتاب‌های علوم انسانی بخوانند و با نوع عملکرد و تصمیمات‌شان بسنجند. دانشجویان نیاز به قیّم و ناظر ندارند و خود به درجه‌ای از فهم و خرد و تجربه رسیده‌اند که دیگران برای‌شان تصمیمات دور از منزلت آن‌ها نگیرند. سیاست‌های اعمالی در قبال دانشجویان باید با رویکرد تکریمی باشد و به حق انتخاب و فهم جوانان ایرانی احترام گذاشت. اگر دولت در سیاست‌های کلان خودش نتوانسته امید به آینده و اقتصاد پویا و رفاه مناسب یک جوان و دانشجوی ایرانی را در کشوری با این حجم از منابع عظیم ثروت فراهم کند و خرید ملزومات واضح و سطح اول زندگی مثل خانه و خودرو برای خیلی‌ها به آرزو تبدیل شده است، حداقل با تصمیمات خودسرانه میدان را بیش از این برای دانشجویان تنگ‌تر نکنیم و در حدی که مسئولیت داریم، ناامید سازی را گسترده‌تر نکنیم.



در مجموع، سطح تعامل مدیران دانشگاه به عنوان نماینده دولت و مسئول اداره دانشگاه با بدنه دانشجویان در پایین‌ترین حد ممکن قرار دارد و عرصه تصمیم‌گیری مدیران به میدان اجرای نگاه‌های شخصی بدل شده است و هزینه اجرای این افکار و گسترش خشم و ناامیدی در میان نسل جدید را باید آینده این سرزمین و تمامیت ایران بدهد. سخن آخر این‌که شما مسئول مدیریت دانشگاه و اداره آن هستید و کاش تلاش شود با اقتدار واقعی و مدیریت درست، به مسائل اساسی دانشگاه بپردازید و از ایجاد بحران و حاشیه با تصمیمات عجیب در فضای دانشجویی پرهیز کنید.

توییت‌ها (بخش اول)

#مسمومیت_دانش_آموزان_در_توییتر



خبر غیررسمی می‌گوید مسمومیت دانش‌آموزان کار دار و دسته رجوی است. همزمان اصلاح‌طلبان با طرح گروه‌های تخیلی مذهبی به عنوان مجرم، تلاش غریبی برای تبرئه منافقین و انحراف افکار عمومی و مشغول سازی نهادهای امنیتی دارند. همواره سیاسی‌بازی جناحی اصلاح‌طلبان علیه ملت ایران در جریان است.

کبری آسوپار

نهادهای امنیتی حضور دانش‌آموزان رو توی حیاط مدارس ممنوع کردند، موضوع به این مهمی رو اینجوری مدیریت می‌کنید؟ برید اون گروه‌های تندروی عوضی رو دستگیر کنید جای این تصمیمات مسخره!



یک نیچه، هستی‌گرای سابق

۴۴ساله تو جمهوری اسلامی دخترا مدرسه می‌رن و نرخ باسوادی و دانشگاه رفتن زنها نسبت به قبل انقلاب چندین برابر شده؛ بعد براندازه نوشته نظام دخترا رو مسموم میکنه که نرن مدرسه! بخدا که هرچی بگم توهین به گوسفنده



آدم

این #مسموم_کردن_دانش_آموزان کار هرکسی بوده، باعث شده هر چی که بیشتر بهش فکر می‌کنم به وحشتی که پدر مادرها و بچه‌ها دارن می‌اندیشم واقعا تن و بدنم از این درجه رذالت می‌لرزه. چه بسا این گازها در آینده تاثیرات جبران‌ناپذیری روی بچه‌ها بذاره.



رابرت

عامل #مسمومیت_دانش_آموزان همان جریان‌یست که با ادعای کذب حمله به اسرا پناهی نتوانست مدارس را با اغتشاشات همراه کند؛ اما حالا با اقدام به مسموم‌سازی در چند مدرسه و موفقیت در ایجاد نارضایتی، سناریوی حمله شیمیایی غوطه شرقی سوریه را ایرانیزه کرده و فراخوان تجمع و اعتصاب سراسری میدهد!



سید رضی /



من واقعا نمیفهمم یعنی چی که دارن مسموم میکنن! امروز تو مدرسه همه شاگردام نگران بودن و خودم هم همینطور. یعنی چی که داستان مشخص نیست!

یکی بود یکی نبود /



فشترین مدارس در دورافتاده ترین مناطق ایران مجهز به دوربین مدار بسته شدن، چگونه که اینارو توی پایتخت نمی تونن شناسایی کنن!؟

فیت /



خیلی از این بچه هایی که تو قم مسموم شدن پدرشون طلبه بوده، اونوقت براندازا میگن کار آخونداست.

مهرنوش /



این مدل عملیاتی که در مدارس با #مسمومیت_دانش_آموزان داره رخ می ده بیشتر به مدل عملیاتی های موساد شبیه تا منافقین. چه در سطح دسترسیها و چه در پیچیدگی عملیات و چه بسا در استفاده از یک تکنولوژی جدید! حتما این اتفاق و یا وحشی شدن قیمت دلار هم خیلی تصادفی بعد شکست اغتشاشات اخیر رخ داده!

جواد آقایی /



کسانی که دغدغهی مردم را دارند باید همین حالا از #مسموم_کردن_دانش_آموزان بنویسند. جان فرزندان ایران در خطر است و هیچ اتفاقی از این مهمتر نیست.

علیرضا عزمی /



شما برو سابقه ی جریان نفاق رو در بیار، بین چه جنایاتی انجام دادن که داعش هم هنوز به اون مرحله نرسیده! برای پیدا کردن عاملین #مسمومیت_دانش_آموزان جای دوری نرید که از این بی شرفها فقط برمیاد.

سبحان برکتی /



مسمومیت دانش آموزان دختر در مدارس عمدی هست، یکسری عوضی که میگن درس خوندن دختران حرام هست دارن بچه ها رو #مسموم می کنند لطفا توییت بزیند در این مورد تا شاید بتونیم جلوی این گروه های تندرو رو بگیریم.

روبرتو /



از سوزاندن فاطمه طالقانی ۳ساله تا خفه کردن زینب کمایی ۱۳ساله تا زنده به گور کردن کودکان کرد و... کارنامه گروهک تروریستی منافقین پر است از جنایات در حق کودکان و نوجوانان! مسموم کردن دانش آموزان از همه بیشتر به گفتارهای رجوی می خورد...

علیرضا گرای /



واقعاً باید سر این قضیه مسمومیت دخترا چیکار کرد؟ نمی شه که دست رو دست بذاریم یه عده داعشی ناشناس هر غلطی میخوان بکنن

دلفین /



این جمله مسعود رجوی در ابتدای انقلاب را به خاطر بسپارید: نفوذی های ما هر جا توانستند اثر بگذارند، اثر گذاشتند. همچنین هر جا نتوانستند اثر بگذارند، آنجا را منفجر کردند!

اعظم السادات سید مومنی /



آقا یه سوال!
تو این قضیه #مسموم کردن دانش آموزان چرا فقط بچه ها مسموم میشن؟ مگه مدرسه ناظم و مدیر و معلم نداره؟ یعنی این گاز مسموم کننده مخصوص بچه هاس؟ چرا خبری از افراد دیگه تو مدرسه نیست و فقط بچه ها هستن؟

ام.تی /



اون ساده لوحایی که فکر می کنن بعد جمهوری اسلامی ایران گل و بلبل می شه خوب نگاه کنن که منافقین برای رسیدن به اهدافشون به صغیر و کبیر رحم ندارن یه روز دختر سه ساله رو آتیش می زنن و حالا هم پروژه #مسمومیت دانش آموزان! از خواب بیدار نشید با لگد دشمن از خواب بیدار می شید.

مینا رشیدی /



به استرسی که بچه ها دارن تحمل می کنن فکر می کنم فک کن صبح بری مدرسه، ۲ ساعت بعد زیر اکسیژن باشی!

سپیده صادقی /



سه ماه تمام تلاش کردند مدرسه ها را تعطیل کنند و بگویند اعتصاب است، شکست خورد. حالا می گویند حکومت میخواهد مدرسه ها را تعطیل کند. به نظرم یک پروژه تروریستی با عقبه رسانهای قوی دارد آغاز میشود.

محمد رضا بابائی
کارشناسی جامعه شناسی ورودی ۹۹ خوارزمی تهران
مهدیه دادوند
کارشناسی جامعه شناسی ورودی ۹۹ خوارزمی تهران



واکاوی دستاوردهای برجام

مقدمه

هسته اصلی هر توافق بین المللی دادن یا از دست دادن چیزی در مقابل به دست آوردن یا ستاندن چیز دیگری است. بر حسب شرایط طرفین، مابازای توافق ممکن است در مواقعی متعادل و در مواردی دیگر نامتوازن باشد. برجام نیز به عنوان توافق بین المللی از همین اصل تبعیت کرده و از یک سو حقوق و امتیاز و از یک سو تعهد و محدودیت برای کشور در پی داشته است. حقوق و امتیازات، دستاوردها و موفقیت های برجام هستند که در زمینه های مختلف نمود پیدا کرد است. با این تفاسیر در مقاله حاضر با تاکید بر این موضوع به ارزیابی و بررسی این دستاوردها می پردازیم.

نگاهی به مفاد برجام

برجام در برگیرنده ۳۷ بند و ۵ سند ضمیمه، که از چند قسمت تشکیل شده است:

- قسمت اول برجام که به موضوع غنی سازی، توسعه غنی سازی و ذخایر اقتصادی می پردازد.

برخی از مفاد این قسمت بدین شرح است:

الف- انجام فعالیت مرتبط با غنی سازی طی ۱۵ سال.

ب- تحقیق و توسعه غنی سازی بدون انباشت اورانیوم غنی شده.

- قسمت دوم برجام که به مسائل مرتبط با تاسیسات اراک، آب سنگین و باز فراوری می پردازد.

براساس این قسمت، ایران اقدام به بازطراحی و باز ساخت یک راکتور تحقیقاتی آب سنگین مدرنیته شده در اراک خواهد کرد.

- قسمت سوم برجام که به موضوع تحریم ها پرداخته شده است.

برخی از مفاد این قسمت عبارتند از:

الف- لغو تمامی قطعنامه های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و آمریکا مرتبط با برنامه هسته ای همزمان با اجرای اقدامات توافق شده.

ب- خودداری اتحادیه اروپا و آمریکا از بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم های لغو شده.

دستاوردهای برجام

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یکی از اتفاقات حقوقی و بین المللی مهم قرن بیست و یکم در حوزه علم و فناوری محسوب می شود. این توافق بین المللی که نتیجه بیست ماه مذاکرات رسمی و فشرده بود، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ در شهر وین منعقد و در ۲۶ دی ۱۳۹۴ اجرایی شد. این توافق بین المللی در چندین بعد دستاوردهایی برای کشور در پی داشته است:

ابعاد اقتصادی (تجارت خارجی):

۱- گسترش و تسهیل روابط تجاری با کشورها:

اجرای شدن سند برجام تاثیرات خوبی در مناسبات ایران و جهان گذاشت، اما دامنه تاثیرگذاری آن در بین کشورهای مختلف با توجه به سیاست های داخلی و خارجی متفاوت است. در ادامه به اثرات برجام بر استقبال برخی از مهم ترین کشورهای مختلف جهان بر توسعه روابط تجاری با ایران می پردازیم:

الف. اتحادیه اروپا

توافق هسته ای بیش از همه زمینه تحول روابط میان ایران و اتحادیه اروپا را فراهم کرده است. توسعه روابط با این اتحادیه می تواند بخش مهمی از خلا سرمایه گذاری و فناوری پیشرفته که از بزرگ ترین موانع رشد و توسعه اقتصادی در کشور محسوب می شود را رفع نماید.

ب. آلمان

بعد از برجام بیش از ۱۰۰۰ نفر از فعالین اقتصادی آلمانی در قالب هیئت های تجاری وارد ایران شدند و برای برقراری مرادوت تجاری و سرمایه گذاری خارجی در ایران ابراز تمایل نموده اند.

پ. سوئیس

مدیر روابط دو جانبه وزارت اقتصاد سوئیس، از آغاز روابط کارگزاری بانکی میان برخی از بانک های سوئیس با بانک های ایرانی و همچنین فعال شدن بیمه ریسک صادرات سوئیس برای پوشش تعاملات تجاری شرکت های سوئیس با ایران خیر داد و آمادگی کشورش را برای حمایت از الحاق ایران به سازمان های تجارت جهانی و همکاری در زمینه مالکیت معنوی رو اعلام نمود.

ت. چین

این کشور اولین کشوری بود که پس از امضاء توافق نامه برجام در عالی ترین سطح سیاسی برای افزایش مناسبات تجاری و اقتصادی اعلام آمادگی نمود.

۲- تاسیس دفاتر تجاری کشورهای اروپایی در ایران:

با انجام توافق برجام و رفع تدریجی موانع تجاری و حضور مستمر هیئت های تجاری از اقصی نقاط جهان به خصوص کشورهای اروپایی به ایران و بررسی وضعیت اقتصادی و توانمندی تجاری ایران بسیاری از کشورهای برای پیگیری توافقات و حضور دائم در بازار ایران اقدام به تاسیس دفاتر تجاری کردند.

۳- کاهش ریسک تجاری:

سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه به صورت دوره ای نمره ریسک تجاری کشورها رو اعلام می کند. این سازمان در آخرین گزارش خود که در اکتبر ۲۰۱۵ منتشر شد اعلام کرد، رتبه ایران که با شروع تحریم ها به

۳-تشدید واکرایی بین ایران و عربستان:

ارتقاء جایگاه ایران بعد از برجام از سوی عربستان سعودی به عنوان یکی از قدرت‌های حاضر در منطقه، تهدید قلمداد شده و واکنش تقابلی جویانه این کشور را به همراه داشته است. اقدامات تقابلی جویانه عربستان می‌تواند در تشدید واکرایی آن در روابط با ایران مشاهده نمود. هرچند واکرایی بین دو کشور قبل از برجام نیز وجود داشته است و در زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیک نمایان شده است اما این روند بعد از برجام و به دلیل آنچه که گفته شد تشدید شده است. تا جایی که علاوه بر قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور از سوی سعودی‌ها، وضعیتی مشابه دوران جنگ سرد بین آنها در جریان است و روز به روز دامنه واکرایی بین این دو گسترده می‌شود.



بالاترین سطح ریسک در این سازمان رسیده بود، بهبود یافته است. در فهرستی که سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه از ریسک تجاری کشورها منتشر کرده، از میان ۲۰۱ کشوری که مورد بررسی قرار گرفتند، تنها نمره هفت کشور تغییر کرده که از این میان نمره ایران و جمهوری سیشل بهبود یافته است.

ابعاد سیاسی و منطقه‌ای:

علاوه بر دستاوردهای اقتصادی که برجام داشت، آنچه که اندکی مهم‌تر است مزایا و فرصت‌های سیاسی آن برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بعد از صورت گرفتن این توافق فرصت‌های سیاسی مهمی برای ایران به وجود آمده است:

۱- رفع موانع و مشکلات بین ایران و کشورهای غربی:

با حل پرونده هسته‌ای بخش زیادی از موانع و مشکلات روابط بین ایران و کشورهای غربی برداشته شد و روابط میان آنها رو به بهبود نهاد تا جایی که بعد از سال‌ها پای هیئت‌های مختلف سیاسی و اقتصادی این کشورها به ایران باز شد.



ابعاد حقوقی:

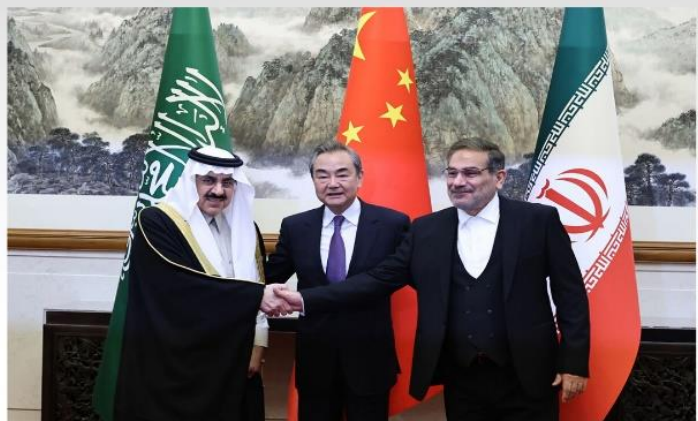
الف- لغو تحریم‌های مرتبط با فعالیت هسته‌ای ایران:

از همان ابتدای مذاکرات، لغو تحریم‌های بین‌المللی گوناگون علیه ایران، یکی از خواسته‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران در توافق جامع بود. در توافق ژنو در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ (برنامه اقدام مشترک) ۵+۱ و اتحادیه اروپا متعهد شدند تا زمان حصول توافق برجام، تحریم جدیدی علیه ایران وضع ننموده و تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه صادرات پتروشیمی، طلا و فلزات گرانبها و اتومبیل حالت تعلیق درآید. در جریان مذاکرات، یکی از بحث‌های جدی میان طرفین که بسیار هم زمان بر شد، زمان و چگونگی لغو تحریم بود. ایران اصرار داشت تحریم به تدریج و هم زمان با اجرای تعهدات از سوی ایران برداشته شود که طرف مقابل مقاومت کرد و نهایتاً در برجام توافق شد که بخشی از تحریم‌ها پس از انجام تعهدات ایران و راستی‌آزمایی آنها به وسیله آژانس بین‌المللی انرژی و بخشی از تاریخ انتقال یا هشت سال از تاریخ قبول برجام برداشته شود.



۲- فراهم شدن امکان حضور مستقیم ایران در منطقه:

مسئله و دستاورد دیگری که برای ایران در منطقه فراهم شد، امکان و زمینه را برای حضور مستقیم ایران در بحران‌های منطقه بخصوص در عراق و سوریه فراهم نمود. بعد از توافق هسته‌ای، ایران بسیار پررنگ‌تر از قبل در عراق حضور پیدا کرد و در خط مقدم مبارزه با داعش قرار گرفته و چه از لحاظ مشاوره و چه نیروی نظامی به یکی از حامیان اصلی ارتش عراق مبدل شده است. همچنین در سوریه نیز ارسال مهمات و نیرو و کمک‌های مالی و مشاورین نظامی در راستای حفظ بشار اسد به صورت جدی انجام شد. این امر باعث شده است که ایران به عنوان یک نیروی سازنده برای ثبات منطقه معرفی شود.



ب- تثبیت حقوق ایران در غنی‌سازی و

فعالیت آب سنگین:

با انعقاد و اجرایی شدن برجام، نه تنها موانع حقوقی ممنوعیت ایران در استیفای حقوق خود در زمینه غنی‌سازی و فعالیت آب سنگین رفع شد، بلکه به صورت ایجابی نیز در مقررات برجام مورد تأیید و تثبیت قرار گرفت. بر اساس برجام، حق ایران مبنی بر انجام غنی‌سازی و فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، از جمله تحقیق و توسعه تصدیق شد.

پ- الزام دولت‌های پیشرفته به همکاری با ایران در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای:

برجام دولت‌های ۵+۱ و اتحادیه اروپا را ملزم به همکاری با ایران در زمینه صلح‌آمیز هسته‌ای کرده است. این زمینه‌ها عبارتند از:
- پروژه مدرن‌سازی راکتور اراک.
- تأمین سوخت جدید
- فعالیت‌های تحقیق توسعه هسته‌ای
- پزشکی هسته‌ای و...

نتیجه:

یکی از تحولات سیاسی و بین‌المللی ایران در دوره معاصر مسئله برجام است. برجام در ازای برخی تعهدات و محدودیت‌ها بر فعالیت هسته‌ای ایران، دستاوردهایی را برای کشورمان در زمینه‌های سیاسی و منطقه‌ای، اقتصادی و حقوقی داشته است. لغو تحریم‌های مرتبط با فعالیت هسته‌ای ایران، تشدید واگرایی بین ایران و عربستان، گسترش و تسهیل روابط تجاری با کشورها و رفع موانع و مشکلات بین ایران و کشورهای غربی از جمله مهم‌ترین دستاوردهایی بود که برجام برای کشور در پی داشته است.

منابع:

- رضائی، صالح. (۱۳۹۵). تاملی بر دستاوردهای حقوقی برجام. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال نوزدهم. شماره دوم.
- خلیلی، رضا. (۱۳۹۵). پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام رویکرد استراتژیک. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال نوزدهم. شماره دوم.
- صالحی، سید حمزه، فرامرزش، احسان. (۱۳۹۵). نقش برجام در تشدید واگرایی بین ایران و عربستان ماهنامه پژوهش ملل. دوره دوم. شماره چهارده



Joint Comprehensive
Plan of Action

برجام
را، پاره کرد

توییت‌ها (بخش دوم)



#دلار_در_تویتر

یاسر آقایی



قیمت #دلار در عراق جنگ زده از ۱۰ سال پیش تا حالا همین عدد بوده ولی تو ایران از سال ۹۱ تا حالا حدود ۲۰ برابر شده! علت هم تعدد بانک‌ها و مراکز ربای دولتی هستند که مسبب تولید بی‌رویه نقدیگی در کشورند. در ایران ماهانه ۱۲۵ هزار میلیارد تومان داره به حجم نقدیگی کشور اضافه می‌شه!

صادق الحسینی



نرخ ارز، تب ناشی از عفونت کسری بودجه‌اس! افزایش #دلار نتیجه کار شماها در افزایش کسری بودجه‌اس! اما سرکوب ارز مثل شکستن دماسنج! اون کسی که ذینفع تب بیمار دماسنج رو می‌شکنه! کسی که از ارز ترجیحی دفاع می‌کنه! کسی که دنبال مس و فولاد و وام و زمین ارزون و رانتیه!

ماهستان



بانک مرکزی عراق مجوز تامین مالی تجارت خارجی با یوآن چین به جای دلار آمریکا را صادر کرده است. اتخاذ این تصمیم منجر به کاهش ۲۰ درصدی تقاضا و کاهش قیمت دلار می‌شود. نوکران و نفوذی‌های حزب دمکرات آمریکا در ج.ا فقط ۴۴ سال لاف زده و هیچ حرکتی برای کاهش تکیه بر #دلار نکرده‌اند.

محمد رضا درویش نیا



کنترل قیمت #دلار و برخورد امنیتی با کانال‌های تلگرامی نرخ ساز کار مهم و فوری الانه، اما ریشه کار عبارت است از: حذف دلار از مبادلات تجاری خارجی و غیر دلاری کردن اقتصاد داخلی. (به تعبیر حضرت آقا شکستن آقایی دلار)

بیتر



دیروز ۷۰۰ میلیون #دلار ارز به #بازار تزریق شد. اما #دلار فقط برای یک نصفه روز ۴ هزار تومان ارزان شد. بعد حجت عبدالملکی میخواست با عرضه ۳۰۰ میلیون دلار نرخ #دلار را روی ۱۵ هزار تومان ثابت نگه دارد...!

داروغه نیمه شب



این روزا یاد حرفای ۴ سال قبل زنگنه می‌افتم که وقتی خبرنگاری ازش پرسید قیمت سوخت تا کجا بالا میره؟! جواب داد: تا هر جا که مردم تحمل کنند.

سید کمیل /

باز هم می‌گیریم ما از روی احساسات چیزی نمی‌نویسیم.
دلار شکسته شده و این افسار گسیختگی اخیر نفس‌های آخرش
است مثل گربه‌ای که گیر افتاده و چنگ می‌ندازه.
اجازه ندین امیدتون رو مخدوش کنن.
مخصوصاً گرگ‌های در لباس میش



میم. جوان /

یاد #دلار ۶۵۰۰ تومانی و سکه دو میلیون تومانی و #روحانی
باهم بخیر



امین آریا /

این تحلیل اینجا باشه، که به عنوان هشت‌پای پیشگوی اقتصادی
به من ارجاع داده بشه!
قیمت #دلار تا نوروز در حوالی ۶۰ هزار تومان آرام می‌گیره؛ و در بهار ۱۴۰۲ در حوالی
۴۵ هزار تومان به تعادل میرسه.
این اوجگیری ۲۰٪-۲۵٪ در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ هم تکرار شده است.



محمد بهیانی /

ما آن قدر منصف و باشرف هستیم که دولت محبوب مون رو
بخاطر شرایط نابسامان اقتصادی نقد می‌کنیم، مثل بعضی‌ها
نیستیم که برای کسی که قیمت #دلار رو ۱۱ برابر
کرد، هشتگ "روحانی متشکریم" بزنیم...!!!



پرندۀ مهاجر /

توی جنگ وقتی نارنجک کنارت منفجر می‌شه و ترکش‌هاش میره
تو بدنت هیچ دردی نداری تا چند دقیقه ... ولی خدا به فریادت
برسه وقتی دردش شروع بشه (:
افزایش شدید قیمت دلار تو این‌روزها همین‌طوره، طول می‌کشه تا
بفهمیم چی به سرمون اومده ((



ریات با جیمی /

نوسان قیمت #دلار در روز ۵ هزار تومان یعنی در یک روز ۸۰۰ دلار تو کف
بخری تو سقف بفروشی به اندازه حقوق یک ماه کارگر سود کرد.



سروش آزادان /

افزایش قیمت #دلار از کانال ۴۵ تا ۶۱ را نمی‌بینند، اما نوسان طبیعی ناشی از
تغییر کانال ۵۰ به ۶۰ را سقوط دلار قلمداد می‌کنند. هیچ عامل بنیادی افزایش قیمت
ارز تغییری نکرده که دلار پیوسته و دراز مدت پایین بیاد و بمونه. در این
کاهش‌های مقطعی با تبدیل ریال به دلار ارزش سرمایه‌تون رو...



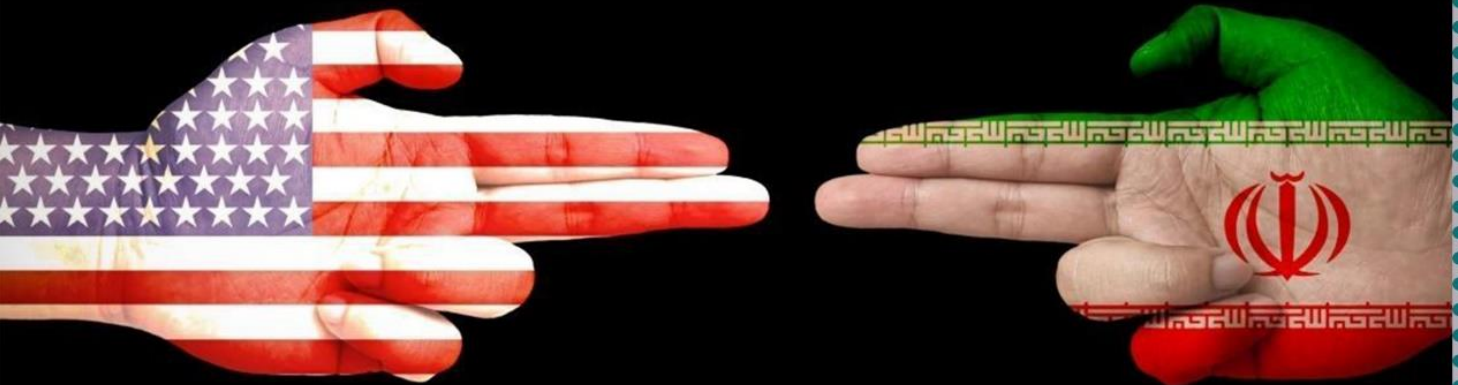
دنده معکوس روبه جلو

برجام ۲



پس از انتشار اخبار ضد و نقیض در خصوص مذاکره ایران و گروه موسوم به ۵+۱ در ماه‌های گذشته، در انتهای بهمن‌ماه ۱۴۰۱ رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در مصاحبه‌ای عنوان نمودند که اقداماتی در دست انجام بوده و مبانی مذاکره احتمالی و پیش رو نیز همان متن ۲۰۱۵ است. هرچند متن

(همچون نفت و گاز و ...) بوده به طوری که در طی این سال‌ها به‌طور میانگین حدود ۳۵ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی مستقیماً مربوط به منابع حاصل از فروش این منابع بوده است. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که به وضعیت کشورهای خاورمیانه توجه نمود: میانگین رشد



برجام با چالش‌های اساسی در زمان تصویب و اجرا روبه‌رو گردید و اقداماتی چون آتش در میان خانه ملت را نیز به خود دید، لیکن مطرح شدن مجدد آن توسط دولت فعلی این امکان را مهیا ساخته است تا به دستاوردهای آن نیز توجه نمود.

ایران پیش از تحریم

آمار موجود از رشد تولید ناخالص داخلی ایران در مراجع بین‌المللی همچون بانک جهانی و سازمان اوپک، حاکی از آن است که تا قبل از سال ۲۰۰۶ (برابر با ۱۳۸۵) که تحریم‌های سازمان ملل و پس از آن تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران تصویب و اجرایی گردید، ایران دارای میانگین رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۵.۷ درصد بوده است. بخش مهمی از این میزان رشد مربوط به صادرات منابع

تولید ناخالص کشورهای منطقه خاورمیانه که در همین بازه زمانی برابر با ۴.۸ درصد بوده و نسبت منابع طبیعی در تولید ناخالص داخلی حدود ۲۴ درصد؛ بنابراین، ایران از رشد بالاتری نسبت به میانگین کشورهای همسایه خود برخوردار بوده و وابستگی بیشتری نیز به فروش منابع طبیعی داشته است.

آغاز تحریم

اعمال تحریم علیه ایران با مصوبات شورای امنیت سازمان ملل آغاز و با تحریم‌های ایالات متحده تکمیل می‌شود. هدف اصلی، مختل نمودن مبادی تجارت ایران است. در این بازه زمانی می‌توان به دو سؤال اصلی توجه نمود:

الف) آیا تحریم‌ها کاغذ پاره بود و بی‌تأثیر؟



پاسخ: صراحتاً خیر؛ تأثیر تحریم غیرقابل انکار بوده است. رشد تولید ناخالص داخلی ایران با شروع تحریم ها و در بازه زمانی منتهی به سال ۲۰۱۶ (برابر با ۱۳۹۵) به زیر ۲ درصد سقوط نموده در حالی که میانگین کشورهای همسایه حدود ۴ درصد بوده است؛ به موازات این موضوع نسبت فروش منابع طبیعی در ایران به حدود ۲۴ درصد سقوط نموده و در خاورمیانه به بیش از ۲۸ درصد صعود نموده است. به بیان دیگر، کاهش صادرات ایران توسط کشورهای همسایه پوشش داده شده و تحریم از طریق کاهش میزان صادرات موجب کاهش شدید تولید ناخالص داخلی ایران گردیده است. قابل به ذکر است که افزایش شمول تحریم ها از سال ۲۰۱۰ به بعد منجر به این موضوع می شود که تولید ناخالص داخلی ایران از ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ (سال انعقاد برجام) به طور میانگین ۰.۲ درصد بوده است.

برجام نافر جام

دوران برجام اما بسیار کوتاه بود و از میانه سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) زمزمه های کنار نهاده شدن آن مطرح گردید و در بهار سال ۲۰۱۸ به بار نشست؛ برای اثربخش بودن برجام می توان به شرایط ایران از سال ۲۰۱۸ نیز توجه نمود: رشد اقتصادی به ۰.۸ درصد کاهش پیدا نموده که در مقایسه با رشد ۶ درصدی پس از برجام گویای وضعیت حاد حاکم بر منابع مالی و اقتصادی ایران است. نسبت صادرات منابع طبیعی به حدود ۲۰ درصد نزول نموده است. نسبت صادرات منابع طبیعی در خاورمیانه در مقایسه با سال های اعمال برجام افزایش یافته و به حدود ۱۸ درصد رسیده و میانگین رشد تولید ناخالص داخلی نیز حدود ۲ درصد بوده است (۳ برابر ایران).

برجام ۲

بازگشتی برای حرکت روبه جلو

آن چنان که رئیس سازمان انرژی اتمی بیان نموده اند، مذاکرات آتی ایران و گروه ۵+۱ بر سر متن تنظیم شده برجام در سال ۲۰۱۵ خواهد بود. همین امر به خوبی نمایان گر این موضوع است که برجام آن چنان که بیان می گردید بی اثر نبوده و از سوی نظام سیاسی ایران نیز مورد تأیید می باشد. هر چند سؤالی مطرح می گردد که «توان سخت عدول از برجام را بایست از چه افرادی بازخواست نمود»، اما مهم تر از آن توجه به این موضوع است که زندگی حال و آینده مردم ایران در عین توجه به اقتصاد داخلی و استفاده از ظرفیت های مغفول مانده، برقراری ارتباط تجاری با تمامی کشورهای جهان است. این موضوع به ویژه از امر بر می خیزد که هر چند از سال ۲۰۱۸ تحریمی از سوی سازمان ملل علیه ایران تصویب نشده است، اما به اذعان تمامی کارشناسان، تحریم های اعمال شده از سال ۲۰۱۸ علیه ایران، سخت ترین تحریم های ممکن بوده و تبعاتی که تجارت با ایران در آن ها در نظر گرفته شده، مانع از ارتباط اقتصادی ایران حتی با شرکای اصلی خود شده است. امید آن است که برجام ۲ که در واقع بازگشت به متن اصلی برجام است، با واقع بینی همراه گردد و آموخته هایی را برای مخالفان داخلی به ارمغان آورد که اختلاف نظر سیاسی نبایست مبنایی برای موافقت یا مخالفت با سیاست های اصلی نظام سیاسی گردد و رفاه و زیست ایرانیان را دست مایه گرایش ها سیاسی نماید.

ب) آیا تحریم دارای تأثیر مثبت بود؟

پاسخ: بله. گزارش های موجود خاطر نشان می سازد که افزایش فشار تحریم ها موجب توجه ایران به بخش هایی از اقتصاد خود شد که تا آن زمان چندان مورد توجه نبوده است. افزایش تعاملات با کشورهای همسایه در تجارت غیرنفتی به ویژه از طریق کشورهای امارات و ترکیه، استفاده از معافیت های تحریمی برخی کشورها از جمله چین و توجه شایان به صادرات فرآورده های صنعت پتروشیمی موجب می گردد تا ایران به ویژه از سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) بخش هایی از اقتصاد مغفول مانده خود را فعال سازد؛ هر چند این فعال سازی جانشینی برای منابع تحریمی نبوده که اثر مستقیم آن در رشد بسیار اندک تولید ناخالص داخلی قابل مشاهده است (دو دهم درصد در بازه ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۵)، لیکن فعال سازی بخشی های از اقتصاد را برای ایران به همراه آورده است.

برجام؛ اثربخش و غیر قابل انکار

آیا برجام دارای دستاورد برای ایران بود؟

افزایش منابع مالی ایران ناشی از لغو تحریم های سازمان ملل و ایالات متحده آن چنان مشخص و مبرهن است که به سختی بتوان از آن چشم پوشی نمود. رشد ۲ درصدی تولید ناخالص داخلی در طول سال های تحریم (۲۰۰۶ الی ۲۰۱۵) و رشد ۰.۲ درصدی در سال های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۵ با انعقاد برجام و آزادسازی منابع مالی و تجارت مثبت خود را در رشد تولید ناخالص داخلی است میانگین رشد ۶ درصد در سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷. به بیان دیگر، سال های پس از برجام دارای بالاترین میانگین رشد تولید ناخالص داخلی در ایران بوده است. رشد تولید ناخالص داخلی در سال های پس از برجام در خاورمیانه حدود ۳ درصد بوده است. دارای رشدی دو برابری نسبت به همسایه خود می گردد. در این بازه، نسبت فروش منابع طبیعی به تولید ناخالص داخلی در ایران به ۳۳ درصد صعود نموده است؛



توییت‌ها (بخش سوم)

#توافقی-ایران-عربستان



آقای قاضی /
 ترکی فیصل:
 آمریکا و اروپا نمی‌توانستند مانند چین به‌عنوان یک میانجی صادق بین ایران و عربستان عمل کنند!
 پ.ن: حتی سعودی‌ها هم به ذات کثیف دولتهای غربی پی‌برند، اما برخی، داخل ایران هنوز چشم‌انتظار، استعمارگران هزار رنگ هستند.



میم. صالح /
 احتمالاً تنها دستاورد دوستی با #عربستان رویت هلال ماه #رمضان-کریم در یک شب باشه.



محمد باقری مقدم /
 با #روسیه ائتلاف کردیم، خیانت‌های این کشور در دوره #قاجار را پیش کشیدن، با #چین قرارداد بستیم گفتن ایران را فروختند، با #عربستان توافق کردیم، گفتن چرا کافران کمونیست میانجی بودن، به نظرتون بهبود روابط با ##امارات را چگونه تفسیر میکنند تا #مردم امیدوار نشن؟



احمد زیدآبادی /
 مدافعان سینه‌چاک!
 برخی از این کسانی که تا همین هفته پیش سعودی‌ها را عروسک خیمه شب‌بازی #آمریکا معرفی می‌کردند اکنون در مقام مدافع سینه‌چاک عادی‌سازی رابطه با #عربستان ظاهر شده‌اند.



سردار توییتز /
 وزیر امور خارجه #عربستان اعلام کرد که این کشور از جامعه جهانی می‌خواهد به تجاوزات #اسرائیل پایان دهد.
 پ.ن: چیزی فعلاً برای بیان نیست تا زمانی که #یمن فوری از محاصره کاملاً خارج شود
 هر چند این حرکت هم بسیار عالیست



ف. کیانی /
 با دلار ۳۷۰۰ تومان از دیوار عربستان بالا رفتند با دلار ۵۰۰۰۰ هزار تومان از دیوار عربستان پایین آمدند.



محمود کریمی



#عربستان به محور مقاومت پیوست
وزیر امور خارجه عربستان: پادشاهی سعودی از جامعه جهانی
میخواهد به تجاوزات رژیم صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی
پایان دهد.
حال مولوی #عبدالحمید هم خریداریم

از سرزمین سرما



از بهبود روابط #عربستان با دنیا تعجب نکنید.
برنامه تغییر بزرگ در #خاورمیانه آغاز شده و با افت محسوس
اقتصادی در اروپا و آمریکا، طی دهه‌های آتی #خاورمیانه جنوبی
قراره آرمانشهر رویایی بشه. برای همین کاهش تنش با اسرائیل
و ایران و تقویت روابط با روسیه و چین در کنار حفظ آمریکا ضروریه.

میم. جوان



با #عربستان که هیچ! با کل دنیا هم توافق کنید یادمان نمی‌رود
حاصل ۷ سال حماقت تان عمرمان را از ما گرفت! چه پدر و مادرهایی
چه جوان هایی از نبود #دارو یا گرانی #دارو از دست رفتند
چه ازدواج هایی به طلاق رسید چه آرزوهایی از نداری به حسرت
تبدیل شد چقدر زجر کشیدیم چقدر عذاب مان دادید.

فاطمه مهدوی



مهم‌تر از ذات کثیف #عربستان و اون پیشینه ی پر از حقارتش، اینکه یه
کشور اونقدر قوی و با ابهت باشه که حتی دشمناشم آرزوی
برقراری ارتباط باهاش رو داشته باشن خیلی غرورآمیز!

صدای آمریکا



گزارش بلومبرگ: #عربستان میخواهد از عواقب حمله احتمالی #اسرائیل به #ایران
در امان بماند.
محمد بن سلمان وعده داده است که میخواهد اقتصاد عربستان را
دگرگون کند و چند هزار میلیارد دلار در این راه سرمایه‌گذاری میکند.

سنا اکبریان



برقراری روابط بین #ایران-#عربستان/امارات/بحرین تیر خلاصی به
اسرائیل بود، از بهم خوردن خرید تسلیحاتیه امارات تا عدم
صادر شدن روایدید برای مقامات #اسرائیل و برقراری روابط
اقتصادیه ناقص تحریم‌های غرب.

آزادی



۴ تا کوکتل بخوره تو سفارت عربستان بیخیال میشن.
بچه‌ها باقیش با شما.

محمد جواد خالقی

کارشناسی ارشد جامعه شناسی

الیکارشی صنعتی و تجدید پاور عامه



درباره اقتصاد و مسائل مزمن آن در محافل مختلف و رسانه‌ها بسیار گفته‌اند و بسیار شنیده‌ایم، اما هرگز حق مطلب آن چنان که باید ادا نشده است. واقعیت این است که صنعت و شرکت‌های ذیل آن حاکمان امروز جهان هستند و اگر کسی بپرسد، پس نقش دولت‌ها در این جهان چیست؟ پاسخ چنین است که اگر حکومت‌ها نماینده و برگزیده صنعت نباشند در برابر سیطره وسیع و پیچیده آن قدرتی ندارند.

برای آنکه بتوان تصویر درستی از این صنعت پیدا کرد باید نخست به نسبتی که فی‌مابین اقتصاد و حوزه‌های جامعه وجود دارد نظر کرد.

سال‌هاست که افسار جوامع در دست اقتصاد است و آن را به هر سویی که بخواهد می‌کشانند و حتی جنگ بین دولت‌ها ماهیتی اقتصادی دارد. روزه‌گاردی در کتاب «هشدار به زندگان» می‌گوید:

«دشمن نه در چپ است و نه در راست. این حزب است و نه در آن حزب... در فرانسه،

مراکز واقعی تصمیم‌گیری بیرون از پارلمان است. گروه‌های فشار که سیاست واقعی فرانسه را تعیین می‌کنند به‌خوبی با مکانیزم جدید یا شیوه‌نویسین قدرت، آشنایی دارند و می‌دانند که دیگر کانون آنچنان که در گذشته، در جمهوری‌های سوم و چهارم در پارلمان بود، اکنون در پارلمان نیست و قدرت پارلمانی قرن هجدهم انگلیس نیز به سر رسیده است...» در واقع امروز نیز هدف سوداگری و به‌ویژه زورگرایی سرمایه‌داری، عوض نشده است

ولی قدرت سرمایه متمرکز شده و در عین حال از انظار خود را پنهان کرده و از شناسایی مستقیم به دور مانده است. اما چگونه؟ همه آنچه که مردان سیاست پشت‌واژگانی چون دولت، برنامه ریزی، دیپلماسی، فرهنگ، عدالت، بلوک غرب و بلوک شرق و... قرار می‌گیرند و بر معانی و مصادیق متضاد تکیه می‌کنند، ناشی از یک الیکارشی اقتصادی پیچیده جهانی است. ما با الیکارشی صنعتی مواجه‌ایم. برای آن که این واژه را به خوبی تصویر کنیم باید بارها از خود بپرسیم که واقعا اقتصاد چیست؟ و بُت پیش‌فرض‌های از قبل اندوخته خود را بشکنیم.

ماهیت امروز اقتصاد در. سیستم حاکم جهانی مبتنی بر کالا انگاری. است. تعریف اصطلاح کالا در اقتصاد و بررسی مصادیق آن می‌تواند ما را به تعریف دقیق‌تری از اقتصاد موجود برساند. مقصود از کالا در این سیستم صرفا محدود.. به نان، ماشین، لوازم خانگی، لباس و... نیست.

بلکه دانش نیز خود نوعی کالا به شمار می‌رود. نظام اقتصادی حاکم بر جهان حتی به عشق، ازدواج، هنر، جوانی، عمر و علم هم به عنوان کالا توجه دارد. می‌توان گفت که پیچیده‌ترین کالا در این حوزه علم است و مسائل حقوقی آن و تولید علم و مالکیت علم از چالش برانگیزترین مسائل به شمار می‌آید. در واقع کالا جایگاه بالایی دارد و این سیستم اقتصاد جهانی هیچ مولفه‌ای را از نظر دور نمی‌دارد و در مناسبات خود حتی امور فرهنگی و معنوی را پوشش می‌دهد.



همه دنیای اطراف ما را مصادیق بیشماری از این حاکمیت محاصره کرده است. اوصاف ظاهری مانند زیبایی، آراستگی، جوانی از کالاهای مهمی هستند که صنعت تبلیغات مصرف‌کننده آن به شمار می‌رود تا بتوانند کالای دیگری تولید کنند و به وسیله این کالا، کالای سایر صنایع را تبلیغ کنند. این ساده‌ترین مصادقی است که ما به طور روزمره در معرض آن قرار می‌گیریم. به همین دلیل است که در ادبیات اقتصادی و اجتماعی، اصطلاح منابع انسانی را در کنار منابع طبیعی و سرمایه‌ای به کار می‌برند. اگر با این مبنا به دنیای اطراف خود بنگریم مصادیق بیشتری را خواهیم دید. حال مراد از مفهوم صنعت و اقتصاد روشن شد. صنعت مولفه محوری سیستم اقتصاد جهانی است. نه به عنوان تولیدکننده کالاهایی مانند ماشین و لوازم خانگی و... بلکه صنعت علاوه بر ابعاد عینی ماهیتی غیر عینی نیز دارد. در پزشکی، سلامت را به عنوان کالا عرضه می‌کند. در آموزش عالی، مدرک و اطلاعات انبوه را به عنوان کالا تولید و عرضه می‌کند و بسیاری از این قبیل. به همین روی برای بیان دقیق‌تر و جامع مسائل، پیشوند صنعت را بر روی این مولفه‌ها قرار می‌دهیم مانند صنعت آموزش عالی یا صنعت آموزش و پرورش. پرواضح است که ساختار چنین جامعه‌ای فرهنگ مخصوص به خود را می‌طلبد. فرهنگی که نیازهای انسان را بازتولید و یا نیاز جدیدی را تولید کند. بنابراین ما از این جهت صنعت فرهنگی نیز داریم. از جمله آنکه سینما و هنر نقش مهمی در این صنعت ایفا می‌کنند و به همین دلیل ما از اصطلاح صنعت سینما نام می‌بریم. ذکر این نکته نیز ضروری است که ساختار این سیستم به گونه‌ای هست که گاهی با ایجاد یک مشکل جدید یا ایجاد احساس کمبود، بستری برای تولید کالای جدید ایجاد می‌کند. که در این رابطه به شرط فرصت در مطالب آینده، مباحثی مطرح خواهد شد.

بنابراین اگر از این زاویه به مسائل جامعه پیرامون خود نگاه کنیم خواهیم دید که بسیاری از مشکلات و دردهای حوزه اقتصادی ما بسیار ریشه‌ای تر از آن چیزی است که ما نسبت به آن گلیه داریم. خواهیم دید که بخش عمده این مشکلات ناشی از پذیرفتن این سیستم به عنوان امری مسلم و خدشه‌ناپذیر اقتضائات دنیای مدرن است. به عبارتی چه بسا آنچه که ما آن را خوش می‌داریم و امری مفید می‌دانیم در چرخه تولید مشکلات اقتصادی قرار دارند.



sanad.um.ac.ir

اخبار و اعلان های خانه نشریات

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه درخواست مجوز نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه ثبت آرشیو نشریات

اسناد و آیین نامه ها

دستورالعمل نشریات دانشگاهی

اطلاعات کامل در خصوص

لیست نشریات فعال

کمیته ناظر بر نشریات

sanad.um.ac.ir

در سایت سند

